

آموزش عقیدتی سیاسی در سپاه، موفقیت‌ها و ناکامی‌ها

احمد شفیعی

استادیار مجتمع آموزش عالی شهید محلاتی

مقدمه

انقلاب اسلامی ایران یکی از رخداد‌های بی‌نظیر دوران معاصر و فجر جدیدی در تاریخ بشریت است که شجره طیبه آن با بهره‌گیری از زلال معارف و اعتقادات دینی مردم نستوه و فداکار ایران و با تکیه بر ریشه‌های استوار پیشینه فرهنگی و سیاسی و اجتماعی آنان بارور و پرثمر گشت.

از آغاز پیروزی این انقلاب، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی برای پاسداری از آن و دستاوردهایش با مجموعه‌ای از عناصر اسلامی، انقلابی و جهادی شکل گرفت تا به عنوان بازوان ولایت فقیه و حصن حصین دفاع از انقلاب به ایفای نقش بپردازد.

از همان آغاز، باور متولیان سپاه آن بود که تدین و معنویت باید رکن اساسی و عنصر اساسی را در ساختار سپاه تشکیل دهد. از همین رو از بدو تأسیس، آموزش عقیدتی سیاسی به عنوان یکی از ارکان سپاه در جهت حفظ، توسعه، تعمیق و ارتقای دانش و بینش عقیدتی سیاسی کارکنان سپاه و نیز تعالی سازمان، در ساختار سپاه پاسداران انقلاب اسلامی پیش‌بینی گردید.

نظر به اینکه توانایی‌های انسان می‌تواند در پرتو نظام و برنامه‌ریزی‌های آموزشی و تربیتی صحیح به فعلیت درآید، متولیان سپاه بر این باور بودند که عنصر آموزش به ویژه

آموزش‌های عقیدتی سیاسی مهم‌ترین عامل افزایش و تقویت توانایی و انگیزش کارکنان خواهد بود و موجبات بهره‌وری، کارآمدی و کارآیی سازمان در جهت دستیابی به اهداف را فراهم خواهد ساخت. بدین روی با اختصاص منابع انسانی و اعتبارات مالی مناسب، برنامه‌ها و فعالیت‌های گسترده‌ای در قالب نظام و دوره‌های آموزشی را سامان دادند و در سطح سپاه به صورت متمرکز و غیر متمرکز، حضوری و غیر حضوری، کوتاه مدت و بلند مدت، عمومی و تخصصی طرح‌ریزی و اجرا نمودند.

بی‌شک نقش والا و برجسته آموزش‌های عقیدتی سیاسی در نشر فرهنگ دینی و معارف اسلامی و نیز تقویت مبانی اعتقادی کارکنان سپاه از نگاه هیچ مدیر و مسئولی پنهان نیست، لیکن مجموعه این فعالیت‌ها گاه قرین توفیق بوده و زمانی هم در برخی زمینه‌ها به ناکامی انجامیده و اهداف پیش‌بینی شده همچنان از دسترس دور مانده‌اند.

آنچه در این نوشتار تقدیم می‌گردد، اشاره‌ای است به موفقیت‌ها و ناکامی‌های آموزش عقیدتی سیاسی در سپاه که براساس تجارب شخصی و اطلاعات دریافتی از اداره آموزش‌های عقیدتی سیاسی و نظرخواهی از دانشجویان کارشناسی ارشد رشته مدیریت آموزشی در مجتمع آموزش عالی شهید محلاتی (ره) به دست آمده است. بر این اساس علاوه بر اشاره اجمالی به پیشینه آموزش عقیدتی سیاسی در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، موفقیت‌ها و ناکامی‌ها را در شش محور ساختار و سازمان، بودجه و امکانات و تجهیزات، اساتید و مربیان، مدیران و مسئولان، مواد و محتوای آموزشی و نیز برنامه‌ریزی و اجرای آموزش بررسی می‌نماییم.

تاریخچه آموزش عقیدتی سیاسی در سپاه

سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به عنوان نهاد جوشیده از متن انقلاب اسلامی در طول عمر پربرکت ۲۸ ساله خود برای ایفای رسالت دفاع از انقلاب و دستاوردهای آن، دوران پرفراز و نشیبی را پشت سر گذاشته است. آموزش عقیدتی سیاسی نیز به عنوان یکی از ارکان آن نقش به‌سزایی در عبور موفق سپاه از فراز و نشیب‌ها ایفا نموده و خود نیز مراحل گوناگونی را پشت سر گذاشته است که به آنها اشاره می‌کنیم.

الف. مرحله آغاز (سال ۵۷ تا ۶۱)

با تأسیس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی تشکیلاتی به نام «آموزش» در آن ایجاد گردید که متولی اجرای آموزشها در دو بخش نظامی و عقیدتی سیاسی شد. از شاخصه‌های این دوران علاوه بر حضور عناصر عقیدتی سیاسی در ارکان مدیریتی سپاه، می‌توان از حضور آنان در بین افسار جامعه و شناسایی نیروهای مؤمن و معتقد به مبانی انقلاب و تلاش برای جذب آنان و ارائه آموزشهای لازم در جهت مبارزه فکری با گروه‌های ناسازگار با انقلاب و حضور در صحنه‌های دفاع مقدس نام برد. در این دوره کوتاه با توجه به تفاوت ماهوی آموزشهای عقیدتی سیاسی با آموزشهای نظامی، ضرورت استقلال مدیریتی این دو دسته از آموزش احساس گردید.

ب. شکل‌گیری مستقل (سال ۶۱ تا ۶۴)

با توجه به ضرورت یاد شده، آموزش عقیدتی سیاسی از آموزش نظامی تفکیک شد و به صورت مستقل در شورای فرماندهی عضویت یافت و یکی از ارکان آن گردید. در این دوره اقدامات مهم زیر صورت گرفت:

۱. سازماندهی تشکیلاتی در سلسله مراتب سازمانی سپاه و برنامه‌ریزی و اجرای آموزش برای همه کارکنان سپاه؛
۲. تأسیس مرکز تربیت مربی عقیدتی سیاسی برای تربیت مربیان مورد نیاز و نیز جذب و تربیت و سازماندهی مربیان در قالب برگزاری دوره‌های کوتاه مدت (زیر یکسال)؛
۳. تأسیس مرکز بررسی و تحقیقات اسلامی به منظور تحقیقات در زمینه علوم اسلامی و تدوین متون آموزشی مورد نیاز؛
۴. برنامه‌ریزی و اجرای آزمون سراسری به منظور سطح‌بندی علمی کارکنان؛
۵. اجرای آموزشهای غیر حضوری از طریق نشریه مکتب انقلاب با بهره‌گیری از توان حوزه‌های علمیه و پخش از طریق رسانه ملی؛
۶. ایجاد مراکز نهضت سوادآموزی به منظور ارتقای سطح تحصیلی کارکنان بی‌سواد و

کم‌سواد؛

۷. سازماندهی و حضور گسترده آموزشها در قرارگاهها و یگانهای رزم سپاه و اجرای برنامه‌های عقیدتی سیاسی به صورت سنگر به سنگر و فرد به فرد.

ج. نهادینه‌سازی (سال ۶۴ تا ۶۷)

نظر به اینکه در خلال سالهای گذشته، به جهت ضرورت مدیریت دفاع مقدس، سپاه به لحاظ منابع انسانی گسترش کمی و کیفی یافته بود و از سویی اثربخشی آموزشهای عقیدتی سیاسی به ویژه در صحنه‌های نبرد بر متولیان سپاه بیشتر آشکار گشته بود، ضرورت سازماندهی و انسجام‌بخشی درونی آموزش عقیدتی سیاسی به منظور نهادینه‌سازی آن احساس شد. بدین جهت اقدامات ارزنده ذیل صورت پذیرفت:

۱. تدوین نظام آموزش عقیدتی سیاسی متناسب با سیر خدمتی کارکنان و طراحی دوره‌ها و اجرای برنامه‌های آموزشی براساس سطح علمی و تحصیلات کارکنان.
۲. اخذ مجوز رسمی تأسیس مرکز آموزش عالی تربیت مربی عقیدتی سیاسی از وزارت فرهنگ و آموزش عالی.
۳. ایجاد مرکز امور دبیرستانهای سپاه در معاونت آموزش عقیدتی سیاسی و تأسیس دبیرستانهای سپاه در کشور به منظور شناسایی، جذب و تربیت نیروی انسانی برای سپاه.
۴. ایجاد مراکز تداوم آموزش عقیدتی سیاسی در سطح سپاه به منظور اجرای متمرکز آموزشهای عقیدتی سیاسی مطابق با نظام آموزشی.
۵. شناسایی فرصت‌های آموزش عقیدتی سیاسی در سپاه جهت پیش‌بینی و درج آنها در پیش‌نویس قانون مقررات استخدامی سپاه.

نظر به شکل‌گیری نیروهای سه‌گانه زمینی، هوایی و دریایی سپاه به فرمان امام راحل(ره) در این دوران و حضور عناصر عقیدتی سیاسی در صحنه‌های دفاع مقدس و نقش‌آفرینی در خور تحسینی در حفظ و ارتقای روحیه انقلابی و جهادی رزمندگان و نیز تثبیت و نهادینه‌سازی موقعیت و جایگاه آموزش عقیدتی سیاسی در سطوح مختلف سپاه و همچنین اجرای گسترده دوره‌ها و برنامه‌های آموزشی در این مرحله، می‌توان آن را دوران اوج و شکوفایی آموزش عقیدتی سیاسی در سپاه به حساب آورد.

د. تحول ساختاری (۶۸ - ۸۰)

بنابر حکم حضرت امام(ره) در سال ۱۳۶۷ دفتر نمایندگی حضرت امام در سپاه به «حوزه نمایندگی ولی فقیه در سپاه» تبدیل وضعیت یافت و دو مأموریت عمده عقیدتی سیاسی و انتشارات و تبلیغات که تا آن زمان تحت مسئولیت مستقیم فرماندهی اداره می شد به این حوزه واگذار گردید. بر این اساس دوره جدیدی برای آموزش عقیدتی سیاسی آغاز شد به گونه ای که تعداد قابل توجهی از عناصر و مدیران و مربیان آموزش عقیدتی سیاسی در جایگاه های مدیریتی و کارشناسی حوزه نمایندگی مشغول خدمت شدند و علاوه بر آن بخشی از ابنیه و امکانات و تجهیزات معاونت آموزش عقیدتی سیاسی به معاونت های پیش بینی شده در ساختار جدید نمایندگی واگذار گردید. براساس این رویکرد جدید اقدامات زیر صورت گرفت:

۱. جداسازی مرکز تحقیقات اسلامی از آموزش عقیدتی سیاسی و قرار گرفتن در تابعیت مستقیم نمایندگی ولی فقیه در سپاه و ارتقای آن به پژوهشکده تحقیقات اسلامی با اخذ مجوز رسمی از وزارت فرهنگ و آموزش عالی.
۲. جداسازی مرکز آموزش عالی تربیت مربی عقیدتی سیاسی از معاونت آموزش عقیدتی سیاسی و قرار گرفتن در تابعیت نمایندگی و ارتقای آن به دانشکده عقیدتی سیاسی براساس قانون مقررات استخدامی سپاه.
۳. تشکیل اداره آموزش های عقیدتی سیاسی و ساماندهی آموزش عقیدتی سیاسی براساس ساختار جدید.
۴. تقویت و توسعه مراکز تداوم آموزش عقیدتی سیاسی در شبکه آموزش.
۵. تدوین و چاپ و توزیع افزون بر ۸۰ درصد عناوین درسی آموزش عقیدتی سیاسی.
۶. جذب، سازماندهی و تربیت مربیان آموزش عقیدتی سیاسی و به کارگیری بخشی از آنها در شبکه آموزش و بخشی در جایگاه های مدیریتی و کارشناسی.
۷. اقدام در جهت تثبیت و اجرای دوره ها و برنامه های آموزش عقیدتی سیاسی در قالب دوره های عمومی، تخصصی، تکمیلی، تحصیلی، عالی و تداوم آموزش براساس قانون مقررات استخدامی.

۵. بهینه‌سازی (سال ۸۱ تا ۸۵)

حاکمیت رویکرد تحولی در سپاه و نیز جهت‌گیری اجرای هدفمند برنامه‌ها در قالب برنامه‌های پنج ساله سوّم و چهارم توسعه کشور در این دوران، ضرورت بازنگری، اصلاح و بهینه‌سازی آموزش عقیدتی سیاسی در همه زمینه‌ها را ایجاب می‌نمود. بدین سبب در این دوره اقدامات محوری زیر انجام گرفت.

۱. طرح‌ریزی تحولی در آموزش عقیدتی سیاسی متناسب با طرح تحول همه‌جانبه سپاه.
۲. تدوین برنامه پنج ساله آموزش عقیدتی سیاسی متناسب با برنامه پنج ساله چهارم سپاه.
۳. بازنگری و اصلاح نظام آموزش عقیدتی سیاسی با رویکرد تربیت محوری و اثربخشی.
۴. بهینه‌سازی ساختار و سازمان شبکه آموزش عقیدتی سیاسی در سپاه.
۵. تدوین باقیمانده متون آموزشی مورد نیاز نظام آموزش و بازنگری در بخشی از متون.
۶. افزایش و تأمین اعتبارات مورد نیاز براساس تنوع عناوین برنامه‌های آموزش عقیدتی سیاسی (در حد مقدرات).
۷. ارتقای سازمانی دانشکده عقیدتی سیاسی به مجتمع آموزش عالی براساس رأی هیئت امناء.
۸. شکل‌گیری هیأت امنای پژوهشکده تحقیقات اسلامی و اداره آق براساس مصوبات هیأت امناء.

موفقیت‌ها و ناکامی‌ها

در هر سازمانی آموزش بیشترین نقش را در همگام و هماهنگ‌سازی افراد و سازمان به ویژه هنگام تغییرات سریع ایفا می‌نماید و موجب بهره‌وری، کارآمدی و کارآیی سازمان در جهت اهداف می‌گردد. آموزش عقیدتی سیاسی در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی نقش آفرینی والایی در افزایش روحیه معنوی و نظامی کارکنان سپاه به عنوان یک ارتش مکتبی و انقلابی داشته است. این آموزش‌ها با هدف تربیت نیروی مؤمن و متعهد به ارزشهای اسلام ناب و تعمیق، توسعه و ارتقای دانش و بینش عقیدتی سیاسی کارکنان و نیز ایجاد توانایی و انگیزه فکری و معنوی در انجام وظایف و مأموریت‌های محوله تحت نظام آموزش مشخص در قالب دوره‌ها و برنامه‌های مختلف به اجرا درآمده است.

بدیهی است سنجش اثربخشی آموزشهای یاد شده به منظور آگاهی از نقاط قوت و ضعف و شناخت موفقیت‌ها و ناکامی‌ها، بستر را برای برنامه‌ریزی بهینه در جهت دستیابی به اهداف فراهم و مدیریت منابع انسانی در سازمان را تسهیل می‌سازد. بر این اساس می‌توان موفقیت‌ها و ناکامی‌ها را در محورهای شش‌گانه زیر ارائه نمود:

الف. ساختار و سازمان و طرح‌ها

موفقیت‌ها:

۱. تهیه، تدوین و ابلاغ ساختار و سازمان نیرویی متناسب با مأموریت از سوی مراجع مربوط.
 ۲. تدوین، ابلاغ و اجرای نظام آموزش عقیدتی سیاسی و طراحی دوره‌ها و برنامه‌های آموزشی متناسب با سیر خدمتی کارکنان.
 ۳. پیش‌بینی مناسب و ایجاد ظرفیت مطلوب در قانون مقررات استخدامی سپاه برای دوره‌ها و برنامه‌های آموزش عقیدتی سیاسی در راستای کارآمدی سازمان و رفع مشکلات آموزش.
 ۴. اختصاص سقف نیرویی قابل قبول به آموزش عقیدتی سیاسی متناسب با مأموریت.
- ناکامی‌ها:

۱. عدم ثبات نسبی در مأموریت و برنامه‌های آموزشی که به تغییر زود هنگام اهداف دوره‌ها و برنامه‌ها منجر گشته و آموزش عقیدتی سیاسی را در انجام بهینه مأموریت با مشکل مواجه ساخته و به ناکامی می‌کشاند.
۲. فقدان مطالعه و بررسی مداوم و نیز ارزشیابی و بازخوردگیری مستمر از سازمان و مخاطبان در عرصه تغییرات محیطی، که به عدم تناسب نظام آموزشی مصوب و اهداف پیش‌بینی شده دوره‌ها با نیاز سازمان و افراد منجر می‌گردد و به صورت طبیعی عدم استقبال فراگیران از محتوای آموزشی و کاهش انگیزه آنان نسبت به فراگیری را به دنبال دارد.
۳. بی‌اعتنایی یا لااقل کم توجهی به امر کارشناسی و فرآیند تصمیم‌سازی در روند تصمیم‌گیری‌های آموزشی نسبت به طرح‌ها و برنامه‌ها و نیز ضعف ارتباط منطقی و تعامل سازنده بین گروه‌های تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری.
۴. نامتناسب بودن نظام آموزشی موجود با اهداف و مأموریت‌های امروزی سازمان، که

ضرورت تدوین نظام جامع آموزش متناسب با مقتضیات زمان و مخاطبان را ایجاد می‌نماید.

۵. عدم توفیق لازم در جهت عمل به اصل تقدم تزکیه بر تعلیم و نبود ساز و کارهای مناسب برای تحقق این اصل، که اقتضای تدوین نظام جامع جدید با رویکرد تربیت محوری را می‌طلبد تا اهداف دوره‌ها و برنامه‌ها با توجه به این اصل سامان یابد.

۶. عدم بهره‌گیری مناسب از ظرفیت موجود در قانون مقررات استخدامی سپاه در حوزه آموزش و عملیاتی نمودن بخش وسیعی از این ظرفیت.

۷. خلأ وجود شبکه هادیان عقیدتی در پیکره سپاه برای مقابله با جنگ روانی دشمن و خنثی سازی بحران‌های فرهنگی، و بی‌توجهی به آن و عدم پیش‌بینی ساز و کار مناسب در این زمینه.

ب. بودجه، امکانات و تجهیزات

موفقیت‌ها:

۱. مشخص ساختن سرانه (نفر - ساعت) آموزش عقیدتی سیاسی
۲. پیش‌بینی و افزایش اعتبارات متناسب با مأموریت در حد مقدرات
۳. بهره‌گیری از کمک‌ها و مساعدت‌های فرماندهان جهت پیشبرد امور آموزش

ناکامی‌ها:

۱. ناکافی بودن منابع مالی و اعتباری، که باعث عدم اجرای کامل مأموریت و برنامه‌ها شده است؛
۲. بخش‌نگری و عدم هماهنگی لازم در جهت بهره‌گیری مناسب از امکانات و فضاهای آموزشی موجود؛
۳. کمبود تجهیزات (سخت‌افزاری - نرم‌افزاری) مورد نیاز به ویژه در اختیار نداشتن امکانات و تجهیزات نوین آموزشی به منظور بهره‌گیری از روش‌های جدید. این مشکل، قدرت مانور و اثربخشی مدیران و مربیان آموزشی را تنزل داده و ضمن فرصت‌سوزی از توفیقات آنان کاسته است.
۴. عدم اختصاص منابع مالی کافی برای بورسیه نمودن مدیران و مربیان در راستای

افزایش توانمندی تخصصی آنان، که به کاهش کارایی و بهره‌وری منجر شده است. علاوه آنکه با توجه به کمبود مربیان سازمانی و عدم تأمین اعتبارات مورد نیاز برای حق التدریس، تعطیلی بخشی از مأموریت را گریزناپذیر ساخته است.

۵. نبود سامانه مناسب سازماندهی و تجهیز مراکز آموزشی؛

۶. عدم اشراف ستادی قابل قبول نسبت به هزینه کرد اعتبارات با توجه به اصل اداره محوری و نیز نبود سامانه کنترل برنامه و بودجه به منظور استفاده بهینه از اعتبارات، که هدر رفتن بخشی از هزینه‌ها را ناگزیر نموده و در نتیجه به کاهش بهره‌وری آموزش انجامیده است. ۷. استاندارد نبودن بخش وسیعی از فضاهای آموزشی و حتی غیر تملکی بودن بخشی از مکان‌های آموزشی. این موضوع نیز اثر روانی نامطلوب در عناصر آموزش داشته و از توفیقات آموزشی کاسته است.

ج. اساتید و مربیان

موفقیت‌ها:

۱. تأسیس مجتمع آموزش عالی شهید محلاتی (ره) و اجرای مقاطع تحصیلی کارشناسی و کارشناسی ارشد در جهت ایجاد پشتوانه تربیت نیروی انسانی (مربیان - مدیران) مورد نیاز.
۲. تربیت مربیان عقیدتی سیاسی و سازماندهی آنان در شبکه آموزش.
۳. برگزاری دوره‌های تداوم آموزش مربیان و اجرای نشست‌های علمی و کارگاه‌های آموزشی در راستای برنامه‌های توانمندسازی آنان.
۴. تولید و توزیع فصلنامه مربیان و نیز در اختیار گذاشتن تعدادی از نشریات تخصصی به منظور پاسخگویی به نیازهای علمی مربیان و روزآمدسازی آنان.

ناکامی‌ها:

۱. عدم اشراف و نظارت ستادی مناسب و نیز عدم هماهنگی مطلوب در راستای سیاست‌گذاری مشخص برای تربیت مربیان و مدیران مورد نیاز در آینده.
۲. عدم بازنگری مطلوب در سرفصل‌های آموزشی مجتمع آموزش عالی شهید محلاتی (ره) و در نتیجه متناسب نبودن آن با نیازهای امروزین سازمان، که از توانایی مربیان در اجرای آموزشها کاسته است.

۳. به کارگیری بخش قابل توجهی از مربیان فارغ التحصیل مجتمع آموزش عالی شهید محلاتی (ره) در جایگاه‌های مدیریتی، اجرایی و کارشناسی که منجر به کمبود مربی در شبکه آموزش گشته و در نتیجه برگزاری آموزشها را با مشکل مواجه ساخته است.
۴. عدم بهره‌گیری مطلوب از ظرفیت روحانیان شاغل در نمایندگی برای اجرای آموزشها.
۵. نبود سامانه مناسب بازخوردگیری از مربیان عقیدتی سیاسی و در نتیجه عدم اعمال دیدگاه‌های آنان در اصلاح روندها، رویه‌ها و ارکان و عناصر آموزشی.
۶. عدم اهتمام لازم به شأن و جایگاه اساتید و مربیان در نظام آموزش و لاینحل ماندن موضوع درجه و جایگاه سازمانی آنان در سازمان نمایندگی که عدم رضایت شغلی را به دنبال آورده است.
۷. عدم برنامه‌ریزی قابل قبول در جهت ارتقای علمی مربیان در قالب دوره‌ها و مقاطع تحصیلی بالاتر.
۸. ناآشنایی بخش قابل توجهی از مربیان با فنون آموزش و تکنولوژی نوین آموزشی و اتکای بیش از اندازه به روش سخنرانی.
۹. عدم تدوین کتاب راهنمای مربی برای متون آموزشی.

د. مدیران و مسئولان

موفقیت‌ها:

۱. بهره‌گیری از تجربه مدیران موجود در زمینه طرح‌ریزی و برنامه‌ریزی
۲. سازماندهی مطلوب نسبت به نیروی انسانی مجرب در مشاغل مدیریتی آموزشی عقیدتی سیاسی

ناکامی‌ها:

۱. وجود تزلزل و تغییرات سریع در سیاست‌گذاری و طراحی دوره‌ها و برنامه‌های آموزشی.
۲. عدم بهره‌گیری مناسب از ظرفیت مجتمع آموزش عالی شهید محلاتی در جهت تربیت مدیران متخصص به ویژه با توجه به فرارسیدن دوران فرود خدمتی اکثر مدیران موجود.

۳. عدم برخورداری بخشی از مدیران موجود از تخصص علمی متناسب با مشاغل احراز شده و نیز عدم برنامه‌ریزی برای افزایش توان تخصصی آنان.
۴. به کارگیری بخشی از فارغ‌التحصیلان رشته‌های متناسب با مشاغل مدیریتی آموزش عقیدتی سیاسی در مشاغل غیر متناسب با رشته تحصیلی.
۵. عدم اهتمام و برنامه‌ریزی نسبت به بورسیه نمودن نیروهای موجود در راستای ایجاد توان تخصصی متناسب با مشاغل مدیریتی.
۶. بخشی‌نگری و عدم حاکمیت نگرش سیستمی در اندیشه و تفکر و عمل بخش قابل توجهی از مدیران و مسئولان آموزش عقیدتی سیاسی.

ه. مواد و محتوای آموزشی

موفقیت‌ها:

۱. سازماندهی معارف اسلامی در قالب موضوعات هفتگانه عقاید، قرآن، اخلاق، احکام، تاریخ، سیاسی و نظام دفاعی.
۲. تدوین همه‌متون آموزشی مورد نیاز دوره‌ها متناسب با مقاطع و نظام آموزشی و بازنگری بخشی از آنها.
۳. بهره‌گیری از محققان و نویسندگان حوزه‌های علمیه، علاوه بر توجه به تربیت محققان و نویسندگان سازمانی.
۴. ایجاد معاونت محتوا در ساختار اداره عقیدتی با هدف تمرکز در سیاست‌گذاری‌های تدوین و چاپ مواد و محتوای آموزشی.

ناکامی‌ها:

۱. عدم حاکمیت فرآیند علمی برنامه‌ریزی درسی در تدوین متون آموزشی و در نتیجه اتکای بیش از حد بلکه انحصاری به روش سنتی
۲. تدوین متون آموزشی بدون بهره‌مندی از نیازسنجی و هدف‌گذاری علمی که در پاره‌ای موارد به تکراری بودن موضوعات و مباحث آموزشی انجامیده است و در بخشی دیگر با نیازها تناسب ندارد.
۳. نبود سامانه سیاست‌گذاری، نیازسنجی، هدف‌گذاری و سرفصل‌نویسی علمی نسبت به محتوای آموزشی متناسب با نیاز سازمان.

۴. تخصصی نبودن بخش وسیعی از محتوا و روشهای آموزش عقیدتی سیاسی متناسب با رشته‌های تخصصی سپاه.

۵. بهره‌گیری از تنها یک شیوه آموزشی (سخنرانی) در تدوین متون و غفلت از شیوه‌های آموزشی دیگر و نیز نامتناسب بودن ادبیات نگارش متون با سلائق و ذائقه فراگیران

۶. عدم تطبیق بخش قابل توجهی از محتوای آموزشی با نیازهای سازمانی فراگیران که دستیابی به اهداف را ناممکن ساخته است.

۷. عدم برخورداری از سامانه مناسب ارزیابی و بازخوردگیری از مواد و محتوای آموزشی به منظور اصلاح و بهینه سازی متون آموزشی

و. برنامه ریزی و اجرای آموزش

موفقیت‌ها:

۱. اختصاص ۲۰ درصد از مدت زمان دوره‌های طولی سپاه به آموزش عقیدتی سیاسی،
 ۲. تأسیس مرکز مطالعات و فناوری آموزشی که امکان بررسی‌های علمی و ستادی را مهیا می‌سازد.
 ۳. تأسیس مراکز تداوم آموزش که فرصت اجرای بهینه آموزش عقیدتی سیاسی را فراهم می‌آورد.
- ناکامی‌ها:

۱. متناسب نبودن دوره‌ها، برنامه‌ها و محتوای آموزشی با نیازمندی‌های سازمان و کارکنان به دلیل عدم بهره‌گیری از نیازسنجی دقیق و علمی.
۲. متناسب نبودن زمان پیش بینی شده برای اجرای دوره‌ها با حجم محتوا و متون آموزشی و همچنین نا هم خوانی بخشی از محتوای آموزشی با سطح علمی فراگیران.
۳. وجود سلائق مختلف در بین فرماندهان و مسئولان و متولیان سپاه نسبت به آموزش عقیدتی سیاسی و اعمال آن در دوره‌های آموزشی فراتر از قوانین و مقررات.
۴. نبود سامانه مطلوب در جهت ارزیابی و ارزش گذاری دوره‌ها و برنامه‌های آموزش عقیدتی سیاسی.

۵. نبود هماهنگی مطلوب بین عوامل مؤثر در سطح نمایندگی و فرماندهی در جهت استفاده از نتایج ارزیابی و ارزشیابی کارکنان به ویژه در امر ترفیعات و انتصابات.
۶. وجود خلأ قانونی در زمینه دوره‌های ضمن خدمت و نیز نبود ساختار مصوب ابلاغی برای مراکز تداوم آموزش
۷. نبود برنامه ریزی مناسب جهت جذب و تربیت نیروی متخصص مورد نیاز آموزش عقیدتی سیاسی با توجه به فرارسیدن دوران فرود خدمتی اکثر کارکنان.
۸. اجرای آموزش‌ها بر مبنای درجه که ناهم خوانی سطح تحصیلی و حتی سطح سنتی شرکت کنندگان در دوره‌ها را به دنبال داشته و میزان بهره‌وری را کاهش داده است.
۹. عدم بازخوردگیری و تجزیه و تحلیل رفتاری فراگیران در محیط خدمتی که بالطبع موجب عدم بازنگری در روندها و رویه‌ها می‌شود.
۱۰. حاکمیت رویکرد کمی در اجرای آموزش‌ها و کم توجهی به کیفیت آموزش.
۱۱. بی‌توجهی یا لااقل کم توجهی به مؤلفه‌های تأثیر گذار در آموزش: نظیر موقعیت‌های محیطی فراگیران، آداب و رسوم مناطق مختلف کشور، پیش‌آموخته‌های فراگیران، گرایش‌های فکری و قومی...

نتیجه

با توجه به موفقیت‌ها و ناکامی‌های یاد شده به این نتیجه می‌رسیم که در راستای بهره‌گیری از نقاط قوت و برطرف ساختن نقاط ضعف یادست کم فرو کاستن آنها ضرورت دارد ابتدا عزم جدی و اهتمام همگانی مبتنی بر خرد جمعی و تجارب سازمانی با بهره‌گیری از اصول علمی نسبت به رفع موانع و حل مشکلات آموزش عقیدتی سیاسی در سپاه به ویژه نمایندگی ایجاد گردد. سپس با تبیین استراتژی مطلوب به تدوین نظام جامع آموزش عقیدتی سیاسی با رویکرد تربیت محوری و اثربخشی همت گماشت. آنگاه با تهیه فرآیند برنامه ریزی درسی همراه با زیرفرآیندهای آن و سپس تصویب این فرآیند، و تلاش جدی در اجرای آن، نسبت به بازسازی و بهینه سازی آموزش‌های عقیدتی سیاسی، در سپاه براساس یافته‌های موارد یاد شده اقدام نمود.